



تأثیر قرآن و حدیث در «حدیقه» سنایی

دکتر حسین خسروی

همین سبب در آن از آوردن هزل، هجو و الفاظ رکیک ابایی ندارد. مثنوی‌های دیگر او «حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه»، «سیر العباد الی المعاد» و «طریق التحقیق» است که هر سه در بحر خفیف مخبون سروده شده و مضامین مشترک دارند. مثنوی‌های «عشق نامه»، «عقل نامه»، «سنایی آباد» و «تحریمه القلم» را نیز از آثار سنایی دانسته‌اند. استاد زرین کوب آنها را در حقیقت «تخته مشق» حدیقه خوانده است (زرین کوب ۱۳۶۲: ۱۲۲). علاوه بر این مثنوی‌ها، دیوانی نیز مشتمل بر قصاید، غزلیات، ترجیعات و رباعیات دارد. مجموعه نامه‌های وی به نام «مکاتیب سنایی» توسط استاد نذیر احمد گردآوری و چاپ شده است.

در میان مثنوی‌های حکیم، «حدیقه الحقیقه» یا «الهی نامه» او ارزشمندترین اثر سنایی و بلکه از ارزنده‌ترین کتب طراز اول عرفان فارسی به شمار می‌رود و بسیار مورد توجه و تقلید شاعران دیگر قرار گرفته است. حکیم غزنوی اولین شاعری است که عرفان، تصوف، زهد و دنیاگریزی را به طور عمده و جدی وارد شعر فارسی کرد.

سنایی پیش از این، زوند تکامل غزل را آغاز کرده بود و به قصیده نیز تحول و تطوری بخشیده بود و باسروتن حدیقه، دگرگونی را در حوزه مثنوی نیز وارد ساخت و بدین سان، نام خویش را در پهنه ادب

حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی شاعر بلندمرتبه و پرآوازه قرن ششم هجری است که در اواسط یا اوایل نیمه دوم قرن پنجم هجری پایه عرصه هستی گذاشت (صفا ۱۳۶۷: ۵۵۳). در جوانی با بسیاری از علوم زمان خود آشنا شد، با افکار و اندیشه‌های ابن سینا و امام محمد غزالی انس گرفت و آثار صوفیه، مانند کشف‌المحجوب هجویری، رساله قشیریه و شرح تعرف کلاباذی را نیز مطالعه کرد. خانواده سنایی از خانواده‌های بزرگ و محترم غزنین بوده است و سنایی در برخی اشعار خود به این موضوع اشاره کرده و به نژاد و دودمان خویش بالیده است:

کم آزار و بی رنج و پاکیزه عرضم
که پاک است الحمدلله نژادم

(سنایی ۱۳۶۸: ۳۶۱)

سنایی سال‌هایی از دوره جوانی خود را در شهرهای سرخس، هرات، نیشابور و بلخ گذراند. سپس از بلخ سفری به سوی مکه آغاز کرد. وی پس از بازگشت از سفر حج مدتی در بلخ، سرخس، مرو و نیشابور اقامت داشت و بالاخره در سال ۵۱۸ ه.ق. درگذشت.

آثار سنایی:

اولین مثنوی سنایی «کارنامه بلخ» یا «مطایبه نامه» نام دارد که مربوط به دوران جوانی شاعر است و به

«حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه» از آثار عرفانی شاخص سنایی است که تأثیر اکید بر آیندگان داشته است و در شمار ممتازترین آثار عرفانی در حوزه زبان فارسی به شمار می‌رود. ضمن این که وجه عرفانی این اثر تحولی در مثنوی را نیز رقم زده است.

حدیقه سرشار از آیات و حدیث به شیوه‌های تلمیح و تصریح و استفاده از مفاهیم آنهاست. در این مقاله اشاره‌هایی به این وجه می‌شود.



فارسی جاودانه کرد:

کی نام، کهن گردد محدود سنایی را؟
نونو چو می آراید در وصف تو دیوان ها

(سنایی ۱۳۶۸: ۱۸)

سنایی را «آغازگر حرکت غزل» (شمیسا ۱۳۷۴: ۲۱۱) نامیده اند، زیرا غزل های عاشقانه او پایه غزلیات دل انگیز سعدی و غزل های عارفانه وی اساس غزلیات شور انگیز مولوی و حافظ بوده است. «الهی نامه» او نیز مینا و اساس مثنوی های عارفانه نظامی، عطار و مولوی قرار گرفته است. حدیقه، اولین منظومه عارفانه فارسی است، پیش از آن، مفاهیم و مبانی عرفان و تصوف به شکل گسترده در قالب شعر بیان نشده است و سنایی در این راه آغازگر است. اما با تمام این احوال، نه تنها کم و کاستی در اثر وی مشاهده نمی شود بلکه می توان گفت مثنوی عارفانه سنایی، اولین و در عین حال کامل ترین منظومه عارفانه فارسی است و البته سنایی خود به این نکته واقف است:

کس نگفت این چنین سخن به جهان
ور کسی گفت گو بیار و بخوان

(سنایی ۱۳۵۹: ۷۱۲)

از جمله آثاری که در مورد حدیقه به رشته تحریر درآمده است. شرحی است که عبداللطیف عباسی در سال های ۱۰۴۱-۱۰۳۸ ق. بر این کتاب نوشته است. پس از آن دو کتاب «طریقه علائی» و «مفتاح الحدیقه» که هر دو کتاب شرح پاره ای اصطلاحات و ابیات حدیقه سنایی است. و در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی مرحوم مدرس رضوی؛ مصحح گرانقدر حدیقه، تعلیقاتی بر حدیقه نوشت. اگرچه این کتاب، بر پایه شرح عبداللطیف استوار است، اما ذکر منابع و مآخذ آیات، احادیث، قصص و تمثیل ها و نیز شرح برخی ابیات و لغات و اصطلاحات دشوار، آن را از میان سایر شروح ممتاز کرده است و تمام شرح ها و گزیده هایی که پس از «تعلیقات» در مورد حدیقه نوشته شده اند، همان مطالب را تکرار کرده اند و به نوعی وام دار «تعلیقات» هستند.

بی تردید سنایی یکی از بزرگترین شاعران زبان فارسی و از جمله گویندگانی است که در تغییر سبک خراسانی و سوق دادن شعر فارسی به طرف معارف دینی و حقایق عرفانی نقشی به سزا داشته است. او اولین شاعری است که اندیشه های دینی و عرفانی را همراه با نکات اخلاقی در قالب نظمی دلکش و تمثیلاتی خواندنی گرد آورده است. سنایی بر علوم زمانه و معارف اسلامی از جمله تفسیر، حدیث، فقه، حکمت، عرفان، کلام، علوم ادبی، نجوم، طب و تاریخ تسلط و آگاهی کامل داشته و بیشتر مطالب کتاب او، ملهم از آیات قرآن و احادیث نبوی و کلمات مشایخ است و در ضمن تمثیلات آن معانی

□ در میان مثنوی های حکیم، «حدیقه الحقیقه» یا «الهی نامه» او ارزشمندترین اثر سنایی و بلکه از ارزنده ترین کتب طراز اول عرفان فارسی به شمار می رود و بسیار مورد توجه و تقلید شاعران دیگر قرار گرفته است. حکیم غزنوی اولین شاعری است که عرفان، تصوف، زهد و دنیاگریزی را به طور عمده و جدی وارد شعر فارسی کرد.

دینی، اخلاقی، کلامی، عرفانی و امثال و حکم به بهترین وجه بیان شده است و به همین جهت، فهم کلام او بدون دانستن آن علوم، مقدور و میسر نیست و لازم است خواننده شعر سنایی بر تمام یا لاقابل قسمتی از دانسته های حکیم، آگاهی یابد تا قدرت درک و تحلیل سخن او را داشته باشد.

در این نوشتار، موارد تأثیرپذیری سنایی از قرآن و حدیث بررسی شده است. سنایی در منظومه حدیقه به دو شکل از آیات و احادیث استفاده کرده است.

الف- نخست این که در مصراع یا بیتی به آیه یا حدیث مورد نظر خود اشاره می کند که در این گونه موارد، مجموعاً بیش از ۲۰۰ آیه و قریب ۹۰ حدیث از احادیث قدسی، نبوی و یا روایات مأثور از ائمه را در کلام خود گنجانده است. تعدادی از این ابیات در پایان این نوشته نقل می شود.

ب- علاوه بر ابیاتی که در آنها مستقلاً به آیه یا حدیثی اشاره رفته است، در حدیقه، برخی حکایات و اشعار نیز در تفسیر و توضیح آیه یا حدیثی سروده شده که جمع این موارد، کتاب حدیقه را به منظومه ای در تفسیر قرآن و کشف حقایق دینی تبدیل کرده است. موضوعی که اسامی برخی باب های حدیقه و عناوین بسیاری از حکایات گواه آن است:

- الباب الاول: فی توحید

- الباب الثانی: فی ذکر کلام الباری، عز و علا
- الباب الثالث: فی نعت النبی - علیه السلام - و فضائل اصحابه
- التمثیل فی قوم یوتون الزکوة
(سنایی ۱۳۵۹: ۷۵)
- فی الهدایه

(پیشین: ۷۷)
- در ذکر آن که پیغمبر ما رحمة للعالمین است
(همان: ۱۹۴)
- در تفسیر «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین»
(همان: ۲۰۳)
- التمثیل فی التقوی: سؤال موسی - علیه السلام -
عن الله عزوجل، قال ای شی خلققت افضل من
الاشیاء
(همان: ۲۸۹)
- در چشم نگاه داشتن گوید: قال النبی -
علیه السلام: - النظر سهم من سهام الشیطان
(همان: ۳۵۳)
التمثیل فی اکل الربا: اکل الربا کمن یاکل نار الظی
(همان: ۳۶۷)
- ذکر اظهار حال آن سرای: فی یوم القیامه فلا
انساب بینهم یومئذ ولا یتسالون

(همان: ۳۸۱)
- اندر بیان ظلومی و جهولی انسان؛ کما قال الله
تعالی: و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا
(همان: ۳۸۵)
- فی ذم حب الدنیا و منع شرب الخمر
(همان: ۳۹۴)
- قال النبی - علیه السلام: - ان الشیطان فی عروق
ابن آدم یجری مجری الدم

(همان: ۴۷۱)
- فی الحرکه و ترک الاوطان فی طلب الاخره: قال
النبی - علیه السلام: - اطلبوا العلم ولو بالصین و
قال - علیه السلام: - سافروا تغنموا
(همان: ۴۷۵)
ذیلا به عنوان نمونه؛ تعدادی از ابیات حدیقه که در
آنها به آیه یا حدیثی اشاره رفته با ذکر آیه یا حدیث
مورد نظر نقل می شود (عدد ذکر شده در پایان بیت،
شماره صفحه حدیقه مصحح مدرس رضوی است):

الف- آیات

۱- هر یکی را عوض دهد هفتاد
چون دری بست بر تو ده بگشاد

(ص: ۷۵)

اشاره به آیه: «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها»
(آیه ۱۶۰، سوره ۶)

۲- می نخوانی تو از کتاب خدا
نیست اموات مرده، «بل احياء»

(ص: ۷۷)

اشاره به آیه: «ولاتحسبن الذين قتلوا في سبيل الله

و آن دو همچون زجاجه و مشکات

(ص ۱۲۸)

تلمیح به آیه شریفه: «الله نور السموات والارض مثل نوره کمکشوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کانها کوکب دری یوقد من شجره مبارکه زیتونه لاشرقیه ولاغریبه»

(آیه ۳۵، سوره ۲۴)

۱۲- آن زمان کز خدای نزد رسول

حکم «من ذالذی» نمود نزول

(ص ۱۲۹)

اشاره به آیه: «من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له اضعافاً کثیره»

(آیه ۲۴۵، سوره ۲)

۱۳- چون برون آمد از نماز علی

آن مرا و را خدای خوانده ولی

(ص ۱۴۰)

اشاره به آیه: «انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یوتون زکوة وهم راکعون»

(آیه ۵۵، سوره ۵)

۱۴- بد ما نیک شد چو پذیرفتی

بد شود نیک ما چو نگرفتی

(ص ۱۵۰)

اشاره به آیه: «الا من تاب و امن و عمل صالحاً فاولئک یندب الله سیتاتهم حسنات و کان الله غفوراً رحیماً»

(آیه ۷۰، سوره ۲۵)

۱۵- همه زی اوست باز گشت

دهور

در نبی خوانده ای «تصیر الامور»

(ص ۱۵۶)

اشاره به آیه: «الا الی الله

تصیر الامور»

(آیه ۵۳، سوره ۴۲)

۱۶- هست عالم خدای عز و جل

که تو را چیست پایگاه و محل

(ص ۵۶)

اشاره است به آیه: «ان الله بعباده

لخبیر بصیر»

(آیه ۳۱، سوره ۳۵)

و نیز آیه «انه بعباده خبیر بصیر»

(آیه ۲۷، سوره ۴۲)

۱۷- هرچه ز ایزد بود همه

نیکوست

هرچه از توست سر به سر آهوست

(ص ۱۵۶)

اقتباس از آیه: «ما اصابک من حسنه فمن الله و ما اصابک من سیئه فمن نفسک و ازسلناک للناس

رسولاً و کفی بالله شهیداً»

(آیه ۷۶، سوره ۷۶)

۱۱- این چو مصباح روشن اندر ذات

مرداد و شهریور ۸۸ - شماره ۲۷۵-۲۷۴

امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»

(آیه ۱۶۹، سوره ۳)

۳- در رهش خوانده عاشقان بر جان

آیه «کل من علیها فان»

(ص ۸۱)

اشاره به آیات: «کل من علیها فان» و بقی وجه

ربک ذوالجلال والاکرام»

(آیات ۲۶ و ۲۷، سوره ۵۵)

۴- چون برون آمد از تجلی پیک

گفت در گوش او که «تبت الیک»

(ص ۸۱)

اشاره به آیه: «فلما افاق قال سبحانک تبت الیک و

انا اول المؤمنین»

(آیه ۱۴۳، سوره ۷)

۵- خواه او مید گیر و خواهی بیم

هیچ بر هرزه نافرید حکیم

(ص ۸۳)

اشاره به آیه «ربنا ما خلقت هذا باطلا»

(آیه ۱۹۱، سوره ۳)

۶- چون رسیدی به حضرت فرمان

پس از آنجا روانه گردد جان

(ص ۹۷)

اشاره به آیات: «یا ایها النفس المطمئنه» ارجعی الی ربک راضیه مرضیه»

(آیات ۲۷ و ۲۸، سوره ۸۹)

۷- موضع کفر نیست جز در رنج

مرجع شکر نیست جز سر گنج

(ص ۹۹)

اقتباس از آیه «واذ تاذن ربکم لئن

شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی

لشدید»

(آیه ۷، سوره ۱۴)

۸- هرچه بستد ز نعمت و نازت

به از آن یا همان دهد بازت

(ص ۹۹)

اقتباس از آیه: «مانسخ من آیه

اونسھانات بخیر منها او مثلها»

(آیه ۱۰۶، سوره ۲)

۹- نان و جان تو در خزینهی اوست

تو نداری خبر دینهی اوست

(ص ۱۰۶)

اشاره به آیه: «و ما من دابة فی الارض الا

علی الله رزقها»

(آیه ۶، سوره ۱۱)

۱۰- سید و سرفراز آل عبا

یافت تشریف سوره «هل اتی»

(ص ۱۲۷)

اشاره به آیه: هل اتی علی الانسان حین من الدهر

(آیه ۷۹، سوره ۴)

۱۸- خیر و شر نیست در جهان اصلا
نیست چیزی از او نهان اصلا

(ص ۱۶۲)

مصراع دوم، اشاره است به آیه:
«و ما یخفی علی الله من شیء فی الارض و لا فی السماء»

(آیه ۳۸، سوره ۱۴)

۱۹- ای بسا شیر کان تو را آهوست
وی بسا درد کان تو را داروست

(ص ۱۶۲)

اشاره به آیه: «وعسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم»
(آیه ۲۱۶، سوره ۲)

۲۰- بندگی نیست جز ره تسلیم
ور ندانی بخوان تو «قلب سلیم»

(ص ۱۶۶)

اشاره است به آیات: «یوم لا ینفع مال و لا بنون»
«الا من اتی الله بقلب سلیم»

(آیه ۸۸ و ۸۹، سوره ۲۶)

۲۱- دل مجروح را شفا قرآن
دل پر درد را دوا قرآن

(ص ۱۷۰)

اشاره به آیه: «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة
للمؤمنین»

(آیه ۸۲، سوره ۱۷)

۲۲- تا فروشد به جای جان و خرد
صورت خوب را به هشد به بد

(ص ۱۸۲)

اشاره است به آیه: «و شروه بثمان بخص دراهم
معدوده و كانوا فیه من الزاهدین»

(آیه ۲۰، سوره ۱۲)

۲۳- احمد مرسل آن چراغ جهان
رحمت عالم آشکار و نهان

(ص ۱۸۹)

اشاره به آیات: «انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و
نذیرا» و داعیا الی الله بأذنه و سراجا منیرا»

(آیه ۴۵ و ۴۶، سوره ۳۳)

و: «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین»
(آیه ۱۰۷، سوره ۲۱)

۲۴- یافته دین حق بدو تعظیم
خلق او را خدای خوانده عظیم

(ص ۱۹۹)

اشاره به آیه: «وانک لعلی خلق عظیم»

(آیه ۴، سوره ۶۸)

۲۵- حکم «من ذالذی» شنیده به گوش
زده در پیش حکم خانه فروش

۲۹- از یتیمان و بیوگان دیار

کرده دایم بطونشان پر نار

(ص ۲۸۹)

اشاره به آیه: «ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلما
انما یأکلون فی بطونهم نار»

(آیه ۱۰، سوره ۴)

۳۰- مکن از ظن به سوی علم شتاب
ز آنکه در ظن بود خطا و صواب

(ص ۳۲۱)

اشاره به آیه: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من
الظن ان بعض الظن اثم»

(آیه ۱۲، سوره ۴۹)

۳۱- گر دلت هست با خرد شده جفت
بشنو از حق که «بمحق الله» گفت

(ص ۳۶۸)

اشاره به آیه: «بمحق الله الربا و یری الصدقات
والله لا یحب کل کفار اثم»

(آیه ۲۷۶، سوره ۲)

۳۲- «یوم یحیی» نخوانی از قرآن
وای بر جان ابله نادان

(ص ۳۶۸)

اشاره به آیه: «یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی
بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم هذا ما کنزتم
لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون»

(آیه ۳۵، سوره ۹)

۳۳- آنچه بدهی بماند جاویدان
و آنچه بنهی ورا به مال مخوان

(ص ۳۶۹)

اشاره به مضمون آیه: «ما عندکم ینفذو ما عندالله
باق»

(آیه ۹۶، سوره ۱۶)

۳۴- بد و نیک تو بر تو باشد مه
وز بد و نیک تو کسی را چه

(ص ۳۸۰)

مقتبس از آیه: «و لا تزر وازره وزر اخری»

(آیه ۱۶۴، سوره ۶ و آیه ۱۵، سوره ۱۷ و آیه ۱۸، سوره

۳۵ و آیه ۷، سوره ۳۹)

و آیه: «کل امرء بما کسبت رهین»

(آیه ۲۱، سوره ۵۲)

۳۵- گرچه بودند شاه و مهتر او
نه گدایان شدند بر در او

(ص ۵۰۶)

تلمیح است به آیه: «فلما دخلوا علیه قالوا یا
ایها العزیز مسنا و أهلنا الضر و جئنا بیضاعه مزجاه
فاوف لنا الکیل و تصدق علینا ان الله یجزی
المتصدقین»

□ از جمله آثاری که در مورد

«حدیقه الحقیقه و شریعه

الطریقه» حکیم سنایی نوشته

شده، یکی شرحی است از

عبد اللطیف عباسی، دو دیگر

«طریقه علانی» و سه دیگر کتاب

«مفتاح الحدیقه». دو کتاب اخیر

حاوی شرح پاره ای از اصطلاح ها و

بیت هایی از حدیقه اند.

(ص ۲۳۰)

اشاره به آیه: «من ذالذی یقرض الله قرضا حسنا
فیضاعفه له اضعافا کثیره»

(آیه ۲۴۵، سوره ۲)

۲۶- از پی سائلی به یک دو رغیف

سورت «هل اتی» ورا تشریف

(ص ۲۵۰)

اشاره به آیه زیر از سوره انسان (هل اتی): «و
یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمان و اسیرا»

(آیه ۸، سوره ۷۶)

۲۷- در قیام و قعود، عود او کرد

در رکوع و سجود، جود او کرد

(ص ۲۵۳)

اشاره به آیه: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا
الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم راکعون»

(آیه ۵۵، سوره ۵)

۲۸- هست غیبت به سان «لحم اخیه»

نخورد لحم اخ مرد و جیه

(ص ۲۸۶)

اشاره به آیه: «و لا یغتب بعضکم بعضا ایحب
احدکم ان یأکل لحم اخیه میتا فکرمتموه»

(آیه ۱۲، سوره ۴۹)

(آیه ۸۸، سوره ۱۲)

ب- موارد اشاره به احادیث:
۱- گفت گنجی بدم نهانی من
خلق الخلق تا بدانی من

(حدیقه، ص ۶۷)

اشاره به حدیث قدسی: «كنت كنزاً مخفياً فاحببت
ان اعرف فخلقت الخلق لكي اعرف»

(فروزانفر: ۱۳۶۱: ۲۹)

۲- خفته اند آدمی ز حرص و غلو
مرگ چون رخ نمود «فاتبهوا»

(ص ۹۷)

اشاره به حدیث امام علی (ع): «الناس نیام فاذا ماتوا
انتبهوا»

(فروزانفر: ۸۱)

۳- از همه چیزهای بگزیده
هست جهدمقل پسندیده

(ص ۱۳۰)

قال رسول الله (ص): «افضل الصدقه جهدمقل
الی فقیر فی سر»

(فروزانفر: ۱۶۰)

۴- دل مجروح را شفا قرآن
دل پر درد را دوا قرآن

(ص ۱۷۱)

اشاره به حدیث نبوی: «خیر الدواء القرآن»

۵- بهر نامحرمان به پیش جمال
بسته از مشک پرده های جلال

(ص ۱۷۳)

اشاره به حدیث: «ان للقرآن ظهرا و بطنا و لبطنه
بطنا الی سبعة ابطن»

(فروزانفر: ۸۳)

۶- همه خواهی که باشی او را باش
بر او سوی خویش هیچ مباش

(ص ۱۸۵)

اشاره به حدیث قدسی: «من كان لله كان الله له»
(فروزانفر: ۱۹)

۷- همتش «الرفیق الاعلی» جوی
عزتش «لانی بعدی» گوی

(ص ۱۹۷)

اشاره به حدیث نبوی: «اللهم اغفر لی و ارحمنی و
الحقنی بالرفیق الاعلی»

(فروزانفر: ۱۳۰)

و نیز: «یا علی انت منی بمنزله هارون من موسی
الا لانی بعدی»

۸- جان فدا کرده بهر یزدان را
«اهد قومی» بگفته نادان را

(ص ۲۱۹)

اشاره به حدیث نبوی: «انی تارک فیکم الثقلین
کتاب الله و عترتی»

۱۳- عشق برتر ز عقل و از جان است
«لی مع الله» وقت مردان است

(ص ۳۲۸)

«لی مع الله» اشاره دارد به حدیث نبوی:

«لی مع الله وقت لایسعی فیہ ملک مقرب و لا
نبی مرسل»

(فروزانفر: ۳۹)

۱۴- با چنین تیرها و جوشش ها
دان که تنها تو را به از تنها

(ص ۴۵۲)

«الوحده خیر من جلیس السوء عنده»

(فروزانفر: ۴۱)

۱۵- این جهان را نه مزرعت پنداشت
عاقبت خود برفت و هم بگذاشت

(ص ۴۵۸)

اشاره به حدیث نبوی: «الدنیا مزرعه الاخره»

(فروزانفر: ۱۱۲)

سنایی به چند شکل از آیات و احادیث در اشعار
خویش بهره می گیرد که در این جا به دو مورد آن
اشاره می شود:

گاه کلمه یا تعبیری از یک آیه را در بیت ذکر می کند
که راهنمای خواننده برای یافتن آیه مورد نظر اوست؛
مانند:

۱- بروی زین سرای بی معنی
گوش پر گوشوار «لابشری»

(۴۲۶/۱۶)

اشاره به آیه: «یوم یرون الملائکه لا بشری یومئذ
للمجرمین و یقولون حجرا محجورا»

۲- آمده خصم با تو در میدان
زخم «موتوا بغیظکم» بر جان

(۵۴۲/۴)

اشاره به آیه: «و اذا لقوكم قالوا آمنا و اذا خلوا
عضوا علیکم الا نامل من الغیظ قل موتوا بغیظکم ان الله
علیم بذات الصدور»

(آیه ۱۱۹، سوره ۳)

۳- «لاتذر» گفت قوم را یکسر
زانکه کردند زو به جمله حذر

(۷۴۱/۴)

اشاره به آیه: «و قال نوح رب لاتذر علی الارض
من الکافرین دیارا»

(آیه ۲۶، سوره ۷۱)

۴- آن زمان کز خدای نزد رسول
حکم «من الذلی» نمود نزول

(۱۲۹/۵)

□ در حدیقه مجموعاً به بیش از
دویست آیه و نزدیک به یک صد
حدیث اشاره شده است و با توجه
به نحوه کاربرد آیات و احادیث در
ابیات (به گونه ای که گاهی بیت
تقریباً ترجمه آیه یا حدیث است)
می توان نتیجه گرفت که ترجمه
قرآن در پیدایش شعر زهد (عرفان
ابتدایی) نقش مهمی داشته است.

اشاره به حدیث: «اللهم اهد قومی فانهم لایعلمون»
(فروزانفر: ۶۰)

۹- خواند در دین و ملک مختارش
هم در علم و هم علمدارش

(ص ۲۴۸)

اشاره به حدیثی از پیامبر: «أنا مدینه العلم و علی
بابها»

(فروزانفر: ۳۷)

۱۰- تا بدان حد شده مکرم بود
«لو کشف» مر و را مسلم بود

(ص ۲۴۹)

اشاره به قول علی علیه السلام: «لو کشف الغطاء
ما ازدت یقیناً»

۱۱- بهر او گفته مصطفی به اله
کای خداوند «وال من والاه»

(ص ۲۴۹)

مصراع دوم اشاره به دعائی که پیغمبر درباره
علی (ع) فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم
وال من والاه و عاد من عاداه»

(فروزانفر: ۲۲۴)

۱۲- گفت بگذاشتم کلام الله
عترتم را نکو کنید نگاه

(ص ۲۶۰)

اشاره به آیه: «من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له اضعافاً کثیره»

(آیه ۲۴۵، سوره ۲)

شکل دوم، این است که شاعر ترجمه گونه ای از آیه را در بیت می آورد. به دیگر سخن، شعر او ترجمه آیه یا حدیثی است و چنانچه تمامی این ترجمه ها از کل آثار سنایی استخراج شود، ترجمه ای مظلوم از بعضی قسمت های قرآن به وجود می آید. بر همین اساس می توان گفت ترجمه قرآن در پیدایش شعر زهد (شعر شرع، عرفان ابتدایی) تأثیری به سزا داشته است. نمونه ها:

۱- هر چه زایزد بود همه نیکوست
هر چه از توست سر به سر آهوست

(۱۵۶/۱۸)

بیت، ترجمه این آیه است:

«ما اصابک من حسنه فمن الله و ما اصابک من سيئه فمن نفسك»

(آیه ۷۹، سوره ۴)

۲- بد و نیک تو بر تو باشد مه
وز بد و نیک تو کسی را چه؟

(۳۸۰/۱۰)

مصراع دوم ترجمه این آیه است: «ولا تزر وازره وزر اخری»

(آیه ۱۶۴، سوره ۶)

۳- هر که این جا هوای نفس، بهشت
دان که آن جاست در هوای بهشت

(۶۷۲/۱۵)

ترجمه ای است از آیات: «و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی * فان الجنة هی الماوی»

(آیات ۴۰ و ۴۱، سوره ۷۹)

۴- حق چو آمد، نمود باطل پشت
روی دست به از سر انگشت

(۷۰۸/۱۰)

مصراع اول ترجمه ای است از آیه: «قل جاء الحق و زهق الباطل»

(آیه ۸۱، سوره ۱۷)

۵- هر کجا عارفی است در همه فرش
هست چون فرش زیر نعلش عرش

(۶۱/۳)

ترجمه ای است از حدیث: «العرش تحت الاقدام العرفا»

۶- هر چه بستند ز نعمت و نازت
به از آن یا همان دهد بازت

(۹۹/۱۹)

ترجمه آیه: «ما ننسخ من آیه او ننسها نات بخیر منها او مثلها»

(آیه ۱۰۶، سوره ۲)

□ سنایی سال‌هایی از دوره جوانی خود را در شهرهای سرخس، هرات، نیشابور و بلخ گذراند. اولین مثنوی سنایی «کارنامه بلخ» یا «مطایبه نامه» نام دارد که مربوط به دوران جوانی شاعر است و به همین سبب در آن از آوردن هزل و هجو ابایی ندارد.

نتیجه:

همچنان که گفته شد، سنایی نخستین شاعری است که موضوعاتی همچون زهد، وعظ، حکمت، اخلاق، عرفان و کلام را به طور گسترده در شعر فارسی وارد کرد و این روش بعد از او سرمشق دیگر شاعران فارسی زبان قرار گرفت. او برای بیان مفاهیم دینی و عرفانی، کلام خود را به اشارات مختلف از آیات، احادیث، قصص و تمثیلات می آراید.

آیات و احادیث به دو شکل در حدیقه سنایی مورد استفاده و استناد قرار گرفته اند. الف- اشاره به لفظ یا معنای آیه در بیت ب- پرداختن به تفسیر آیه یا آوردن تمثیلی در ارتباط با آن؛ مانند: در تفسیر «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین» و «التمثیل فی قوم یوتون الزکوة».

در حدیقه مجموعاً به بیش از دو بیست آیه و نزدیک به یک صد حدیث اشاره شده است و با توجه به نحوه کاربرد آیات و احادیث در ابیات (به گونه ای که گاهی بیت تقریباً ترجمه آیه یا حدیث است) می توان نتیجه گرفت که ترجمه قرآن در پیدایش شعر زهد (عرفان ابتدایی) نقش مهمی داشته است.

۱- اشرف زاده، رضا، آب آتش افروز، ج اول، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۷۴.

۲- حلبی، علی اصغر، گزیده حدیقه الحقیقه، ج اول، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵.

۳- خاتمی، احمد، گزیده حدیقه الحقیقه، ج اول، تهران، انتشارات پایا، ۱۳۷۶.

۴- دانش پژوه، منوچهر، گزیده حدیقه الحقیقه، ج دوم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۱.

۵- راستگو، سید محمد، گزینش و گزارش از حدیقه سنایی، ج اول، تهران سمت، ۱۳۸۰.

۶- زرین کوب، عبدالحسین باکاروان حله، ج پنجم، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲.

۷- سجادی، سید ضیاء الدین، نغمه گراشعار حدیقه، ج اول، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.

۸- سنایی، مجلودین آدم، حدیقه الحقیقه، تصحیح: مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.

۹- دیوان اشعار، تصحیح: مدرس رضوی، ج چهارم، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۶۸.

۱۰- حدیقه الحقیقه، تصحیح: مریم حسینی، ج اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.

۱۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا، تازیانه های سلوک، ج هشتم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۲.

۱۲- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج هشتم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۶۷.

۱۳- مدرس رضوی، محمد تقی، تعلیقات حدیقه الحقیقه، ج اول، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۴۴.

۱۴- فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث مثنوی، ج سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.

۱۵- فروزانفر، بدیع الزمان، شرح مثنوی شریف، ج دهم، تهران، زوار، ۱۳۸۱.

۱۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج چهارم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.

۱۷- یاحقی، محمدجعفر، راهنمای نگارش و ویرایش، ج بیست و دوم، انتشارات آستان قدس، ۱۳۸۳.